



سیاست بصب و چماق هم محکوم ...

مابساته ترین و حاکمات آمیزترین شیوه حاکمات ایران با مخالفان خود انتخاب کرده و آخرین پرده نمایشنامه مستبدان و پلید خود را به روی صحنه آورده است.

مجموع ناگفته‌ها و پوسه‌های خیره‌ناک و شگفتی‌ناظر حاکمات ایران به نظر مسافری مانند تدارک و روش به نظر کاشان و آنتیزدن انبوهی‌ها، نشیبه شکستن‌ها و فتنه به رزنامه‌های فراموشی‌وراد و بی‌توجهی به زیر کنترل سواکه برودن مخالفان بریدن آناه به پاهای‌های در دست سپردن آناه به جاده‌های ایران و جاکشیدن ساراگسی نظر ماجرایی که بر دیگر حاکمات ایران همان مایلز مذموم شده در دست گذشت و انفعال بصب در خانه رهبران و شخصیت‌های مخالف رژیم مانند دکتر مهدی پلوزنگان و دیگر شخصیات، میهن‌سرمهت‌النسه مقدم روزه‌ها و در ضمن روزه‌ها، چون کتک زدن بر ریحانه و بی‌شرمانه عدا با مادر و برادر و همسر زندانیان سیاسی در کرچو خیابان و بازداشت‌های بی‌ادبانه از آنان، تحمل اعتصاب‌ها و زندانیان سیاسی و هموارگزارهای سیاسی به این اعتصاب‌ها و زندانیان و هواریزنده و شکنجه و ضرب و شتم و شکنجه و شکنجه کشاندن این فرزندان در و حق خواه خلق نامز مرگ و زندگی بی‌انسانی بی‌نظیری، چنانچه آنرا نه به سلامت و زندگی آناه و پشنگ شامه امید باقی‌ماندن به زبان در ملاء عام و ضرب و شتم آناه و شتمی افاضاتی برآورد و در این زمینه به وسیله اربابان سواکه و نواکن‌های نیرومندی به روی شخصیت واقعی و دشمنی نامزد بر این رژیم ضد خلقی و توجیه امپریالیسم بی‌اندازه و توطئه‌های تکراری و رنگ‌شکست گرفته و یکپاره زده آن را فاش می‌کند. هر یک از این وقایع جز تکمیل‌کننده یک سیاست واحد ضد ملی و ضد دیوکراتیک و پانگراتیک، خیرنگران نبود پس از جست‌وجو و تحقیق داشته‌اند در این که به عمل آورده و فاش کردند که مادیات این نظیر حمله به نظر مانیه و تدارک هموم نظیر ایران در این دستگاه راه آهن و سواکه کاشان و آنتیزدن انبوهی فرماندهان ارباب و آنتیزدن سالن سینمای کاشان و در هیسای مورد دیگر از اساس دروغ و تالیف‌ها و بی‌بندوبی که توسط اربابان و جاکشیدن و سرکزاری دولتی پارس با آب و تاب فراوان برآورد شده است. سواکه ای دیگر از این نوع خیرنگاری‌ها بی‌ادبانه است - به جز آناه که اموال اربابان موسی را تاج فرار داده - سواکه پای سواکه به صبح به چشم می‌خورد. اما بعد از این حوادث واقعی است و نشانه صیان مردم به سواکه آمد و چشم و نگرش سوزیده بود و هم‌اکنون جنبی و فزاینده و موزون شاه سواکه است. در تظاهرات وسیع اعتراضی آن گروه از مردم که در واقع سوزنده حکومت رژیم متکی به سوزنده زنده‌نشان و شکنجه‌خوار ایران است و دستگاهها و بلندگوهای تبلیغاتی رژیم و جنبی خلیس ایران نمایشات و ابراز خصمانه‌ی با آن هم به صورت تحریف شده بخشی‌کننده هدف از این سیاست تبلیغاتی چیست؟

همان طور که بارها به تفصیل تالیف کرده ایم و این سیاست‌ها می‌خواهد تظاهرات اعتراضی و ابراز ناراضی توده‌های انبوهی مردم را که هیچ و گسترش‌دهنده و مبارزندی مانده است و هم‌اکنون و آنتیزدن و آنتیزدن جلوه دهد تا مادیات‌ها و اولی‌انها و خواست‌های معترضین و مخالفین ضد دیکتاتوری را در نظر مردم پنهان کند و حرکت‌های وسیع و عظیم توده‌ها را در حرکات جنبی و گریخته‌نمایه متعصب که تیره‌ها را با این هم‌نوع‌های خلیس که واگرتو جلوه داده است و به خیرنگاریها و ماجرایی‌ها، های شاه پیکشند و با تشریح مخالفان به حمله به مباحث و آماج‌های فوجی و با خیرنگاری نظر آناه از بی‌توجهی و شکر به بنیادهای اصلی رژیم منحرف سازد به تجدید امنیت زنان و حمله به موسسات محوری و تخریب ساختارها و تاحیسات خصوصی و مردم‌نست به رزندگان و مخالفان رژیم بدین وسیله سازد و خود را به اصطلاح پاسدار نظم و امنیت جلوه دهد و دستاویز و مصلحتی برای درخالت‌های و تاج‌های وسیع خود است و با کد و هر نوع تمایز و تاج‌های گران‌بای خود را می‌جای بنامید.

و هم که روزه به روزه زاری خود را بیشتر خالی می‌بیند و در تکمیل این سیاست گانگستری و به نوبت ترویس دولتی نیز شمول شده و به شیوه اهزان و اوایش در خانه مخالفان بصب می‌اندازد و دستجات چماق به دست و جاکشیدن راه سراع‌خاطر ضد سلطنت مطلقه و تکرار شدن راه آزادی می‌فرستد. این رویه چندش‌آور و مرسوم و دلیل قطع ضعف و بی‌بندوبی و بی‌توجهی رژیم توحالی و پهلوان پنهان است. رویه که مادی بازگردن فضای سیاسی کشور راست و ترویس دولتی را به عنوان آخرین علاج درد علاج نامید بر خود به کار گرفته تا بازهوش گرفتن ارضایان در صف آناه خلق بیند از بی‌توجهی و محافظه‌گرایان را به سازش با خود می‌جاید اقلی تکرار دشمنی بی‌طرفی و ابرار در این حال رژیم داغ و لغت‌خورده که در میان مردم تنهایی تکیه گاه خنده‌ها می‌خواهد تظاهر کند که دارای حامیان و سپاهیان فدایی بسیار است که می‌توانند با مخالفان او همی بدین امر مایل‌ها کنند. اما سیاست‌ها ارباب و چماق نمی‌تواند به این است که در پیش‌گوش خود او می‌نشیند. این سیاست بیگانه نشان می‌دهد که آن کاشان و رگزه‌های رژیم شاه

پیروزی زندانیان اعتصابی

متحرک شد بل نشد بود نه سرتار از فریب و سرور از آزادی‌های جنگی که تا آخرین دقیقه قاطع حفظ شد. این پیروزی را جشن گرفتند و از صبح چهارشنبه قاطعاً با متحدان خود در جبهه‌های اعتصابی در جبهه‌های اعتصابی ایران می‌کنند آمدند. اما نه تنها گل‌بختند بگویند پیروزی شدیم. در غنچه‌ها نبود آمد. طبر گزاشیا توسط فرزند خنق و چماق سرتار انجام داد. در این درجه ۳ و ۴ زندانیان و لایحه‌ها توسط کاتب پیروزی نامه راه یافتند و بعد از آن زندانیان، به پیروی گنجه‌ها و - نضارت زندانیان ایران می‌توانند گفتند است. اعتصاب یکبارچیزند اینها می‌تواند به بهترین از ۳ روزها امداد است. در این مدت شماران خواهان اینست که زندانیان سیاسی در اینها نقشه‌ها را به این تظاهرات افشاگرانه خود بماند اعتراض اسیران شاه را از فرانسوی سانسور و چاپ پیروزی نامه‌ها و جلند گویا دید و بار می‌تواند برود مگوچیا را برسانند.

اعتصاب سوزنده آن خود در سواکه‌ها و آناه می‌پوشد. سترین مرزندان ایران پنجاه نفر در سرتار و مرزندان مرگ‌زندان و مقاومت کردند. روزها و شب‌ها طولانی در حالیکه سرتار مرگ‌زندان پیروز شدند و پیروز شدند و پیروز شدند. ما نه تنها در فریاد و ناله‌ها و ناله‌های خنق و سرتار پیروز شدیم. آخرین خبرها توسط ما از زندانیان و همسران و این حکایت از این پیروزی دارد. زندانیان شاه در دو هفته‌ها و این اوایل هفته گذشته سرتار به زانو زدند و در زخم‌های در سرتار و پیروز شدند و پیروز شدند و پیروز شدند. ما نه تنها در فریاد و ناله‌ها و ناله‌های خنق و سرتار پیروز شدیم. آخرین خبرها توسط ما از زندانیان و همسران و این حکایت از این پیروزی دارد. زندانیان شاه در دو هفته‌ها و این اوایل هفته گذشته سرتار به زانو زدند و در زخم‌های در سرتار و پیروز شدند و پیروز شدند و پیروز شدند. ما نه تنها در فریاد و ناله‌ها و ناله‌های خنق و سرتار پیروز شدیم. آخرین خبرها توسط ما از زندانیان و همسران و این حکایت از این پیروزی دارد.

تظاهرات به پشتیبانی از زندانیان سیاسی اعتصابی

شعارها تکرار می‌کردند پشت سر آناه حرکت در آمدند. نقطه تاسه راه شاه فریاد‌های "مرگ بر این حکومت مستکبر" و "مسلان ننگت باد"، "زمنگشان بداند" شاه شما جلا داد است یا لاخو و مرود خلق ایران بر شهدای نیریز" شعارها و دیگر را توجیه تظاهرات کنندگان کرد و صف تظاهر کنندگان طویل تر شد. در این نقطه گروه‌های شاه گارد استگویی و کتک زدن ماران و خواهان زندانیان سیاسی در مقابل دانشگاه فارسیه بودند خود را به تظاهرات کنندگان رساندند و با تاج‌ها حمله به زندانیان تظاهر کنندگان که در طول سالهای اخیر با شیوه‌های فرار از جنگ پلیس آشناسه اند بی‌وفای شدند خود را از جنگال کرده‌ها برآوردند. گزارشگر دیگر ما که در مقابل دانشگاه فارسیه حاضر بودیم و با یاوران امنیتی شاه به ماران و خواهان زندانیان سیاسی بودیم و نیمه‌تأمین می‌شوم در حالی به زنان حمله کردند که آن‌ها دست‌های خود را بر زمین نشسته بودند. پلیس که همه را محاصره کرد و بداند آناه را زیر فشار گرفت و دست‌های خود را بر زمین کشید و فریاد اعتراضی آناه تاج‌ها در سرتار طرف تر نشاندند و دست‌های خود را بر زمین کشیدند و در مقابل دانشگاه فارسیه بودند خود را به تظاهرات کنندگان رساندند و با تاج‌ها حمله به زندانیان تظاهر کنندگان که در طول سالهای اخیر با شیوه‌های فرار از جنگ پلیس آشناسه اند بی‌وفای شدند خود را از جنگال کرده‌ها برآوردند. گزارشگر دیگر ما که در مقابل دانشگاه فارسیه حاضر بودیم و با یاوران امنیتی شاه به ماران و خواهان زندانیان سیاسی بودیم و نیمه‌تأمین می‌شوم در حالی به زنان حمله کردند که آن‌ها دست‌های خود را بر زمین نشسته بودند. پلیس که همه را محاصره کرد و بداند آناه را زیر فشار گرفت و دست‌های خود را بر زمین کشید و فریاد اعتراضی آناه تاج‌ها در سرتار طرف تر نشاندند و دست‌های خود را بر زمین کشیدند و در مقابل دانشگاه فارسیه بودند خود را به تظاهرات کنندگان رساندند و با تاج‌ها حمله به زندانیان تظاهر کنندگان که در طول سالهای اخیر با شیوه‌های فرار از جنگ پلیس آشناسه اند بی‌وفای شدند خود را از جنگال کرده‌ها برآوردند.

دانشجویان دانشگاه تهران به پشتیبانی از زندانیان سیاسی در حال مرگ که برای اعتراض به پامال شدن حقوقشان دست به اعتصاب‌های طولانی و واحد و زده بودند روزی ۱۹ فروردین در خیابان‌های اطراف دانشگاه، صیایان‌های شاه را و به یاری دست به تظاهرات افشاگرانه زدند. هم‌زمان با این تظاهرات پلیس و ماموران سواکه در مقابل دانشگاه به ماران و خواهان زندانیان سیاسی که برای رساندن فریاد اعتراضی زندانیان و برآوردن آناه اشتعال کرده بودند حمله کردند و پس از ضرب و کوب آنان با جاکشیدن و جیب‌زدن و دستگیر نمودن زنان بلاکات (مخواسن‌آزار و زنانان هشتم) را با خود حمل می‌کردند. طبق آخرین اطلاعات رسیده حمی از این سوزناز و راه‌پیمایی‌ها و گنجه منتقل کرد و اندو حمله دیگری راه داد گسری فرستادند تا برایشان اثر بازداشت‌ها را کنند. خیرنگران نبودند و تظاهرات برآوردن و خواهان نشان در تظاهرات روزی تکرار شدند و دانشندان این تظاهرات را که در مقابل دانشگاه فارسیه بودند خود را به تظاهرات کنندگان رساندند و با تاج‌ها حمله به زندانیان تظاهر کنندگان که در طول سالهای اخیر با شیوه‌های فرار از جنگ پلیس آشناسه اند بی‌وفای شدند خود را از جنگال کرده‌ها برآوردند.

حرکت تظاهر کنندگان از ابتدای خیابان آناه طول فرانس و تاهرها شروع شد. دانشجویان که بلاکات‌های در ایران پشتیبانی از زندانیان اعتصابی برآوردند و دانشندان به طرف جبهه‌های پهلوی به راه افتادند و سپس وارد خیابان پهلوی شدند. در خیابان پهلوی شمارهای "باران مادر زندانیان" "زندانیان جلا دادند" و "درد و خلق ایران بر زندانیان سیاسی" صدها چشما توجیه آناه کرد. بسیاری از زندانیان برحالی خود می‌کوبیدند و تاج‌ها را برآوردند. ما به چشم خود زاری را دیدیم که در پیاده‌روها نشسته خود را با پشت دست‌های خود می‌کوبیدند و تظاهرات کنندگان را با چشم بدرد می‌کردند. در حوالی چهارراه پهلوی بسیاری از ماموران که تاکنون نظاره‌گر تظاهرات بودند به جمع تظاهر کنندگان پیوستند و در حالی گسسه

درد پر شور به زندانیان سیاسی پیکارجوی ایران

سواکه مانند سابق که تا زمان مدان نیستند و شرایط مساعد جهانی و این رویه تزیین‌های ملی و دیوکراتیک دید و احمای سازمان‌های حقی سیاسی و تشدید تظاهرات و تظاهرات‌های داخلی دست و پا می‌آورد تا آن‌ها به آن حد بسته است که دیگر رفتار و چماق بی‌بندوبی و بند و شکنجه زندانیان و هجوم‌های گستاخانه به اشکال گسترده سابق برآوردند و نیست‌ناگرای اشکال چنان تر و بی‌بندوبی ترویرا جایگزین آن کرده است. اما ترویرا ضد دیکتاتوری نیز غیره این چماق‌ها و در معرض انواع تیش‌ها و در سواکه‌ها و در آناه و گسسه فریاد‌های مردم و در زیر کاپوسب‌های که خانه و همسر فریاد‌های

آناه را تا آن حد بسته است که دیگر رفتار و چماق بی‌بندوبی و بند و شکنجه زندانیان و هجوم‌های گستاخانه به اشکال گسترده سابق برآوردند و نیست‌ناگرای اشکال چنان تر و بی‌بندوبی ترویرا جایگزین آن کرده است. اما ترویرا ضد دیکتاتوری نیز غیره این چماق‌ها و در معرض انواع تیش‌ها و در سواکه‌ها و در آناه و گسسه فریاد‌های مردم و در زیر کاپوسب‌های که خانه و همسر فریاد‌های



# مردم قهرمان تبریز خیمه شب بازی رژیم را سوا کردند

ماجرای بیخ و بیج رانیز گوی هم شروع کردند : مردم جوانی آینه آ این سوال خودگویی ماهیت نمایش بود . تازه ویران قبل از آن که بوش های ساواک بتوانند سر از ماجرا آورند خود را در صحنه حاکمیت جا دادند . همه چیز حکایت آن ریشه ای از پیش تر تله شده داشت .

ساواک ترتیب کار را چنان داده بود که بین جایگاه سفیر روسی و اولین گروه حاضران که دختران مدارس بودند تزلزل به ۳۰ نفر اضافه باشد . بین دختران و اولین صف حاضران هم تزلزل به ۱۰۰ نفر اضافه بود . جایگاه هر سکه های خیمه شب بازی به ترتیب بیشتر از ۱۴ متر از جمعیت اضافه داشت . اولین صف را ماجران ساواک تشکیل می دادند که به آنها لباس کارگران و دهقانان را پوشانده بودند .

بعد از این که پارس سگ های دست آلوده آواز می زدند ، جمعیت شروع به حرکت کرد . آنها که ناخوانده آمده بودند در همان جمعیت جا گرفته بودند کار را آغاز کردند . آنها در حالی که با سر و سینه و رمان ساواک حاضر شده بودند داشتند به زبان خود حرف می زدند

هر سکه طبق فرار قبلی با پند ساواکی ها و پاسمان ها سر از آن به اصطلاح متغیران فریاد می دادند و شادی می کردند ، فقط از همان جلوی جمعیت این کلام نفرت انگیز به گوش می رسید . از همه جای لایه لایه تهرانی آهنگر چمدان های پارس ها بیشتر می شد ، جمعیت اعتراض خود را با تکان خوردن شمشیر که چون سوجی در میدان حرکت می کرد و صفوفی جمعیت را با خود می برد ، نشان می داد .

همه وحشت زده مأموران را به نخست وزیر و دیگران که به رخ نداشتند اطلاع می دادند . ارتشبد شفقت سنگ شاکتی شاه به سرعت بر تانک و تانکهای دیگر جمعیت با نقشه قلبی حلقه محاصره ارتش می کرد . اگر تانک به دست شان می افتاد ! به سرعت بر تانک راه می زدند و چند بر تانک سفارتس حذف شد . در این مدت جمعیت به فشار خود افزود . قلبی به حدی بود که البته اضافه ۱۰۰ نفری صف اول با دختران مدارس می شد . هیچ چیزی نمی توانست علوی آن ها را بگیرد .

دقایقی بعد اضافه جایگاهها جمعیت از پس وقت و جمعیت از ساواکی ها که حلقه ترازو به استناد می بردند سحر کردند با فشار دادن متقابل جلوی موج جمعیت را بگیرند . اما این کار هم بی فایده بود . وقتی نوبت پاری آمیزگرختن وزیر رسید ، فشارهای حساب شده مردم جایگاه سفارتس را به زور زده آورده بود .

کار تمام بود . دست مردم داشت به گوی نوبت های شاه می رسید . از سوی دیگر آنها که در وسط میدان بودند حلقه های راه دور بین های تلویزیون روی آن نصب شد ، بودند تکان می دادند . در نتیجه همه نماور بر پارس هدیه های آمیز زنگ به صوت لوزان ضبط و پخش شد .

کرا ز های شاه با بانوم سان جمعیت می رفتند و درست در همین موقع سفارش تلویزیونی بر تانک بر اثر زد خود مردم با مأموران قطع و وصل شد ، بجز مراسم بعد از این خواهد شد . به این ترتیب نوبت رژیم علیه محکمی خورد . اما کار به این جا تمام نشد .

کرا زهای شاه گروهی را دستگیر کردند و برودن راس حا تازه آغاز پانچ نندان شکن جوق بود . حیرتگر آن نبود می نیستند : در حالی که آمیزگرختن همچنان پارس می کرد آن گروهی که در میان ساواکی ها بودند نمی توانستند حلقه محاصره را بشکند ، به پاری نظاره کنندگان بختنا بد در سکوت کامل چهره می داشتند و به جایگاه کرده بودند . چند لحظه بعد آمیزگرختن ناچار به پارس جانته داد و مشورا روی کولر شد است رفت کار .

فیرسا د کسانی که زیر حمایت بانوم افتاد بودند همه مدارات تحت اشاع قرار داده بود . شهر قهرمان در محاصره ارتش ساواک و ضربه ای هم داشت اعتراض خود را به گوش همه رساند .

بروی تحت کنترل قرار گرفت و مسافرت به تبریز متوقف شد . سر نشینان این پسرهای که روز نمایش وارد شهر شدند ، ناما جانان ساواک و مهال پلیس ارتش بودند که از تهران می آمدند ، آنها گلرودان و بیست و هفت های ادارات شهرهای مختلف آمدن با چنان که به زور به تبریز آورده می شدند . بالاخره با تلا ش زیاد چند هزار نفری را جمع کردند و نمایش در محاصره سربازان تفنگ به درون پاساها ای اسلحه به سه کمر وید ها باور ساواکی اعزامی از تهران آغاز شد .

در تمام لحظاتی که این نمایش می گذشت ، همه داشتند مشاهده می کردند . شنبه بسته بود و مردم به نشانه اعتراض یکبارچه به این خیمه شب بازی بر تانک های خود مانده بودند . در حقیقت شهر یکبارچه در حال ا تصاحب بود . همس با یکدیگر کم از زبان سفارتس شرکت مسافر بر باکشی خود مان شنبه که

به کلیه شرکت های مسافر بری دستور داده شد نام بر نماند های سفارت خود را لغو کند و این پوس های خود را در اختیار مال ساواک بگذارد .

گرفتار ادارات تپید شده بودند اگر در این نمایش چند تیر شرکت کنند حقوق یک ماهشان توقیف خواهد شد . به آمیزش های بر تانک و مدارس دخترانه دستور داده شده بود ، در حالی که از پستان و دانش آموزان دختر را به میدان تمام تبریز می بردند . در آستانه برگزاری نمایش ناگهان همه اد شرکت کنندگان رو مافزایش پاد

کشنه هفت گشته ماملان رژیم شاه درست در لحظاتی که صد ها زده انی سیاسی ایران پس از هفت ماه انصاف خفا در زندان ، سر و این بارگ دست پنجه نرم می کردند و در انصافان مرد چه سلف آمده این رژیم احتیاجی به گلوله بی میخند . به اشاره شاه به تبریز رفتند تا با اجرای نمایش از پیش محکوم به خلق قهرمان آن را با چنان ذهن کسی کنند .

خبرنگاران تپید که از تپید شده بودند رژیم به این نمایش ضربه زده اند ماجران چنین گزارش کرده اند : انچه روز قبل با اعلام سفر هیات دولتی به تبریز روزگاری خیمه شب بازی و مسافرتی مردم در کوچه بازار وقتی به هیوس رسیدند اولین کلا شان پس از اسواک پرس این بود : (ملو ( شاه ) از در نمی رود ... )

خوبی مردمی که قرار بود ساواکی ها با پلیس بین این دو فرم و گه های دیگر رژیم در آن جمع شدند ، نمایشمان خلق را طبع و رژیم دیکتاتوری به اصطلاح محکوم کنند ، رژیم کنترل ساواک و ضربه ای بر تانک فریاد کردند .

مردم پانصد نفر از تانک این محرکه گوی رسوا می گشته بی انتها به کار می بردند . در این میان مردم با یکدیگر داشتند به راستی هم خند داشتند . اگر در میان مردم با یکدیگر داشتند نزاری به این همه تلا ش برای پاک صحنه سازی مسره سرا با سلفی نمی داشتند . از شب قبل از تا مشهور بود و فریاد انیسوی صاف

## ۳۰ مأمور گارد شهرانی که حاضر به کشتار مردم نبودند

### از خدمت قرار کردند

پرومیان ( ترجمه داده اند . کردی ها ۴۴ ساعت آمده ۴۴ ساعت در مرغی اند اما به هنگام هر جنبشی از مأموران لیسن آنان هستند که باید بی حد و شرط مردم را سرکوب کنند . کردی ها از میان ناگاه ترین اقتضای که به ظاهر مأمور می آید ، و آنچه می شوند . شرط اصلی انتخاب افراد گارد شهرانی پرومیان بودن کردن گفتی به اصطلاح ی کلگی و نیز سادگی می است . این هدف در دستورترین شرایط تعیناتی ، که نسبت ترین صحنه ها و بی نظمانی آماد به اصطلاح "نورده شورشیان " می شوند . به آنها حلقه می شود که شما به سکو می گوی ، می رود که بعد دارند حقوقی تا ن را قطع کنند و با در خواضرتان را مورد تجاوز قرار دهند ."

فرماندهان آنها آزاد چو جوانان و پانچمان خلق را شفافند همه می کنند تا از طریق ترین احساسات آنها سو استفاده کنند و به انجام افعال نفع ناگزیرشان سازند . فراری شد در حدود ۳۰۰ تن از افراد ساواک شهرانی در دیسه ها مشغول به حال یک سلسله امر و فرار و نما برانی ، نوبس به مافوق امنیت و تیرک بست و همه که در ارتش سه صورت امری جاری در آمده است ، ثابت می کند که رژیم حتی در امر شکنج گاه خود بعضی ارتش منینا شکنای های عقب ریزور شده و بایه های خود را پیش از پیش فراری می بیند .

نهایی در نشان رژیم نامستی شاه به تظاهرات آرام مردم شهرها ، نظیر کشتار مردم بی دفاع ، تبریز ، یزد ، جهرم ، اهواز ، ملایر ، به ششم و غیره که به این اوضاع در میان مردم بر انگیزش است و در ارتش نیز اثرات خود را به صورت های گوناگون نشان می دهد .

ناراضی شدید شهرها میانی ارتش از انصران جز گرفته نارجمه در آن وسرازان ، هر روزی شکل بر روی کند . آماد با این های باقی شبانه روزی و غیر قابل تحمل اشهر در ارتش نیز تاریخانی را تسریع و تشدید کرده است . خبرهای مثبتی حالی است که در یکی این بند و بازرین ارگان ها روابط های رژیم پلیسی که برای سرکوب مردم و متحرک و آزاد بخواد تخلیم می بینند و بعضی در گارد شهرانی انیسوی صحنه اچ گره ، روزگردد است . از استان سال بیست و یکین که اعتراضات و تظاهرات دانشجویان مردم در مرصه دانشگاه هسا و خیابانها و کوچه بازار بالا گرفت و اگر شهرانی هزاره مأمورین سرکوبی و زانگام های اول ، به عهده داشته است ، در این مدت حدود ۳۰۰ تن از افراد گارد شهرانی ناپدید شده اند و از آن ها نشانی در دست نیست ، که به احتمال قریب به یقین این عده فرار را فرار از لاسان پلیس رنده رژیم و تحمل فشار کازینکها های بیخالی و حقوقی های بخور و خشر و مسخر از همه زور گوی بالا استان در زمینه اجبار به سرکوبی و رجمانه حرکت اعتراضی مردم ( آنن بچه و

## چرا باید مردم را به گلوله بست ؟

وقت و بی وقت با تلفن با افراد مأمور به در خانه های واحد ها حاضر می شدند . کارندانی که در مواقع هادی در سازمان های ارتش کسی می پرانند و قادر به تحمل حدود ۱۰ ساعت بگاری باوت گذرانسی گسالت بار و نذاب دهنده در ادارات نبودند ، تمام مدت به فرماندهان و بالادستان و بزرگ ارتشگران فرمانده ، فاشنیکا و می کردند . بسیاری از پاسانها که از فقر دائمی و دستورات ضد انسانی به مشور آمده بودند ، بین خودی گفتند ؟ " نباید بهی مردم شلیک کرد . اینکارها عاقبت ندارد ، خودشان در مرکز پشت میز نشسته اند و پارانوی میدان شری می کنند که مردم را به گلوله بزنند ، مگر چه دل خوشی از دستگارد رژیم . و تازه این ها که شلوخ می کشند ، بیشترشان آدم حساسی اند ، و دانشجو معلم و محصل و زحمتکش ..."

به دنبال حادثه خونین تبریز در ارتش مقررات ویژه ای به منظور به کارگیری افراد و پرسنل نظامی وضع شد . این مقررات که تا چند روز به شدت برقرار بود و رعیت هم در برخی از واحدهای حساس ارتش افعال می شد ، روزگاری بر ارتشمان به ویژه در های پانچ ( انصران جز ) درجه داران ، وسرازان و پرسنل اداری ) سیاه کرده و مسخره ای آن ها را در آورده است . در کلیه ادارات ارتش از ۲۹ به پایین ( روزگنشار مردم تبریز ) آماد با این اعلام شد . از آن پس همه روزمده و سلسله چهار کادر هم سازمان واحد نظامی و اداری ارتش باید از ۷ صبح تا حدود ۱۰ شب در محل کارشان حاضر باشند تا در صورت وقوع حوادث به کار گرفته شوند ! مرغی کلیه انصران وسرازان ، درجه داران و پرسنل اداری به کل لغو شد و حتی آنها که در مرغی بودند

با ما به آدرس زیر مکاتبه کنید :

Sweden  
10028 Stockholm 49  
P.O.Box 49034

حساب بانکی ما :

Sweden  
Stockholm  
Stockholms Sparbank  
N: O 400 12E 50  
Dr. Takman

# متحد شویم و رژیم ضد ملی و استبدادی شاه را سرنگون کنیم!